



کتاب درسی زیردربین

# دین و زندگی ۳

## پایه دوازدهم

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک - فنی و حرفه ای و کار دانش

نکات کتاب درسی

بررسی خطبه خط کتاب درسی

تست ها و پرسش های متناسب با درس

تألیف: حسین باغانی

سرشناسه : باغانی، حسین، ۱۳۵۷-

عنوان : کتاب درسی زیر ذره‌بین دین و زندگی (۳) پایه دوازدهم رشته علوم تجربی- ریاضی فیزیک- فنی و حرفه‌ای و

کار و دانش./ تألیف حسین باغانی؛ ویراستار علمی نسرین افتخاری..

مشخصات نشر : تهران: کتب آموزشی پیشرو، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری : ۱۲۰ ص.: مصور، جدول؛ ۲۲×۲۹ س.م.

شابک : ۹۵۰۰۰۰۰-۷-۹۴۱۳۸-۹۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی : افتخاری، نسرین، ویراستار.

شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۰۱۸۸۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



کتاب آموزشی پیشرو



نام کتاب : دین و زندگی (۳) - پایه دوازدهم

ناشر : کتب آموزشی پیشرو (کاپ)

عنوان پروژه : کتاب درسی زیر ذره‌بین

تألیف : حسین باغانی

مدیر تألیف : احمد مصلاهی

ناظر فنی : سیما رائفی‌نیا

صفحه‌بندی : گروه آموزشی پیشرو

حروف‌چینی : جواد جعفریان

ویراستار علمی : نسرین افتخاری

ویراستار فنی : مریم مجاور

ایده طرح جلد : احمد مصلاهی

تصویرسازی جلد : امیرحامد پازنار

طراحی جلد : سپیده زارعی

لیتوگرافی و چاپ : گلپا گرافیک/ نگار نقش

سال و نوبت چاپ : ۱۴۰۰ / اول

شابک : ۹۵۰۰۰۰۰-۷-۹۴۱۳۸-۹۶۲۲-۹۷۸

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

قیمت : ۹۵۰۰۰ تومان



کتاب آموزشی پیشرو

مرکز فروش: میدان انقلاب- خیابان فخر (رازی)- خیابان ومید نظری غربی- پلاک ۸۳

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۹۵۳۵۱۷-۱۸

۰۲۱-۶۶۹۶۱۴۷۲۳-۵      ۰۲۱-۶۶۹۶۱۰۷۹

آدرس سایت زیرذره‌بین: [www.zirezarebinpub.ir](http://www.zirezarebinpub.ir)

صندوق پستی: ۱۱۳۹-۱۳۱۴۵ | سایت نشر کاپ: [www.cup-book.com](http://www.cup-book.com)

### ◀ معرفی انتشارات کاپ

انتشارات کاپ در سال ۱۳۹۸ با هدف «تولید محتوای آموزشی» اعلام موجودیت کرد. سیاست ما تولید آثاری است که فقدان و نیاز به آن‌ها در فضای آموزشی کشور احساس می‌شود.

### ◀ کتاب درسی خیلی مهم است!

مهم‌ترین و اولین منبعی که دانش‌آموز پس از حضور در کلاس درس باید به آن مراجعه کند، «کتاب درسی» است؛ این در حالی است که اکثر دانش‌آموزان قدم اول را به اشتباه با مطالعه کتاب‌های کمک‌درسی که گاهی فاصله زیادی تا کتاب درسی دارند، برمی‌دارند و نتیجه این تصمیم اشتباه و پرش مطالعاتی، یادگیری ناقص و ناآمادگی در آزمون‌های مرتبط با درس مورد نظر است.

### ◀ با مطالعه کتاب‌های درسی زیر ذره‌بین، به چه نتایجی می‌رسید؟

واقعیت این است که اکثر دانش‌آموزان یا کتاب درسی را اصلاً نمی‌خوانند یا به‌طور سطحی می‌خوانند. این رویگردانی از کتاب درسی می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد:  
دلیل اول: ممکن است کتاب درسی برای دانش‌آموز قابل درک نباشد.  
دلیل دوم: ممکن است دانش‌آموز با خواندن کتاب درسی به هدف خود در فهم کامل مفاهیم کتاب و گرفتن نتیجه مناسب در آزمون‌های آن درس نرسد.

به دلایل دیگر کاری نداریم! «کتاب‌های درسی زیر ذره‌بین» دقیقاً برای رفع دو اشکال بالا طراحی و تألیف شده‌اند. در این کتاب‌ها، مؤلف خود را در جایگاهی قرار می‌دهد که مفاهیم یک درس را با استفاده مستقیم از متن کتاب درسی به خواننده یاد می‌دهد و هر جا نیاز به تفسیر مطلب، توضیح بیشتر، پرسش یا تست است، آن را به کتاب اضافه می‌کند تا کتاب درسی به‌طور کامل درک شود. با این کتاب‌ها به پایه‌های لازم برای پیشرفت در درس خود دست پیدا می‌کنید. خیالتان که از بابت درک کتاب راحت شد، می‌توانید به منبع دیگری (مانند کتاب‌های تست) برای افزایش مهارت و رسیدن به تسلط در آن درس مراجعه کنید. تأکید می‌کنیم این کتاب‌ها حل‌المسائل نیستند، هر چند که ممکن است بعضی از پرسش‌های مهم کتاب درسی مورد بررسی قرار گرفته باشند.

### ◀ درباره این کتاب

این هم یکی دیگر از کتاب‌هایی است که با ساختاری نوین و منحصر به فرد توسط اتاق فکر انتشارات کاپ طراحی و توسط آقای باغانی تألیف شده است.

امیدواریم که مانند سایر کتاب‌های زیر ذره‌بین، مورد پسند شما قرار بگیرد.

# درس‌های کلیدی در تفهیم مطالب کل کتاب را با ستاره مشخص کرده‌ام

فهرست



فهرست

	بخش اول : تفکر و اندیشه.....	۲
۸	درس اول : هستی بخش.....	۶
۱۸	درس دوم : یگانه بی همتا.....	* ۱۸
۲۸	درس سوم : توحید و سبک زندگی.....	۳۰
۳۸	درس چهارم : فقط برای تو.....	* ۴۲
۴۶	درس پنجم : قدرت پرواز.....	۵۲
۵۶	درس ششم : سنت‌های خداوند در زندگی.....	* * ۶۴
	بخش دوم : در مسیر.....	۷۶
۷۰	درس هفتم : بازگشت.....	* ۸۰
۸۲	درس هشتم : زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی.....	۹۴
۹۶	درس نهم : پایه‌های استوار.....	۱۰۸
۱۰۸	درس دهم : تمدن جدید و مسئولیت ما.....	* ۱۲۶

# تفکر و اندیشه



بخش اول

**علت** اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

**معلول ۲** اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ  
 برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

مداومت در اندیشیدن  
 بمتترین عبادت‌هاست.

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا

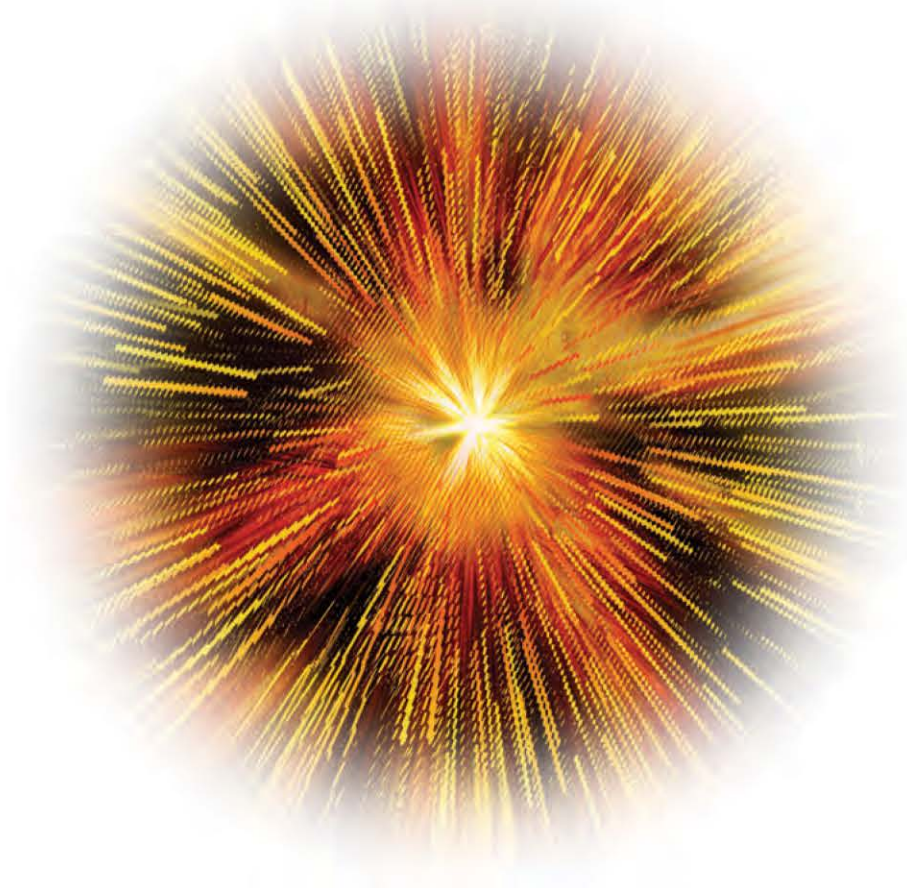
میوه اندیشه به صورت اعمال ظاهر می‌شود.

تفکر در ذات ممنوع ← تفکر در قدرت، آزاد

# (لِلَّهِ النُّورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

خودش پیدا و آشکار است.  
 باعث پیدایش دیگر چیزها می شود.

ویژگی های نور





## درس اول

قدرتی است که مضمومین و معدود است.

### هستی بحش

آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟! **پاسخ** همهٔ موجودات از جمله انسان، پدیده‌ای هستند که **بدصکار بودن** وجودشان از خودشان نیست و در وجود و هستی نیازمند به خدا هستند.

صفحات برعهده دانش آموز:  
۴ تا ۵

پدیده = موجودات = وجودشان از خودشان نیست = فقیر = وابسته = وامدار

## نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، براساس فطرت خویش، خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم. به روشنی می‌دانیم در جهانی زندگی می‌کنیم که آفریننده‌ای حکیم **اللّٰه بالحق** آن را هدایت و پشتیبانی می‌کند و به موجودات مدد می‌رساند. با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر درباره‌ی خداوند فرامی‌خواند و راه‌های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها، تفکر درباره‌ی نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است. بیان این راه به شرح زیر است:

### مقدمه اول

\* اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده‌ای می‌یابیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین‌گونه می‌بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها، همه را پدیده‌هایی می‌یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست.



### نکته

مقدمه اول: به خود نگاه کنیم، خود را پدیده می‌بینیم که وجود و هستی‌مان از خودمان نیست.

### مقدمه دوم

\* پدیده‌ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده‌ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان‌طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد. عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می‌کند:

پدیده‌ها، وجودشان از خودشان نیست.

ذاتِ نایافته از هستی، بخش چون تواند که بود هستی بخش<sup>۱</sup>  
خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب‌دهی<sup>۲</sup>

آری در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.

### نتیجه

\* با توجه به دو مقدمه فوق می‌توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده‌های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده‌ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می‌شود.

**علت‌العلل یا عین‌الذات است.**

۱- «بخش» در مصرع اول به معنای بهره و سهم است و در مصرع دوم به معنای عطا کردن.

۲- جامی، هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۱۹.



توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

**مقدمه اول:** ما و این جهان وجودمان از خودمان نیستیم. و هستی مان از خودمان برچشمه نمی‌گیرد و پدیده هستیم.

**مقدمه دوم:** موجوداتی که پدیده هستند وجودمان از خودمان نیستیم.....

**نتیجه:** ما و همه پدیده‌های جهان در پدید آمدن و هستی شدن نیازمند به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذات می‌باشد.

### پاسخ سوالات شما (۱)

برخی می‌پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می‌گوییم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می‌شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی‌ماند. آن استدلال نمی‌گوید که «هر موجودی» به آفریننده نیاز دارد. بلی، اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی‌نهایت پیش خواهد رفت و هیچ‌گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده‌ها چرخ‌دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می‌شود. چرخ‌دنده اول، چرخ‌دنده دوم را می‌چرخاند و چرخ‌دنده دوم چرخ‌دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ‌دنده‌ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ‌دنده‌هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ‌دنده‌ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ‌دنده‌ها بی‌نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ‌دنده‌ها به هیچ موتوری که حرکت‌دهنده چرخ‌دنده‌ها باشد، نرسد؟ چنین چیزی غیرممکن است؛ یعنی امکان ندارد که بی‌نهایت چرخ‌دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی‌نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد. این همان مفهوم «تسلسل علت‌ها» است، یعنی اینکه سلسله علت و معلول‌ها تا بی‌نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی‌گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان‌طور که

**سؤال:** نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟

**پاسخ:** نیازمندی در همه شئون حیات از پیدایش تا بقا، که هیچ‌گاه کم یا قطع نمی‌شود.

(نمای - خرداد ۱۳۹۸)

**سؤال:** چرا خداوند می‌تواند نیاز انسان یا هر

موجود دیگری را برآورده کند؟

**پاسخ:** چون خداوند بی‌نیاز مطلق است (غنی) و به هیچ چیز وابسته نیست، می‌تواند

نیاز هر موجود دیگری را برطرف کند.

(نمای - شهریور ۱۳۹۸)

نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است. همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

## نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

### نکته

بنا ← سازنده

بنا ← ساخته شده

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ‌کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان متلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود.

به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؛ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند. بنابراین، مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.

### استباه نکنیم

رابطه خداوند با جهان، مشابه رابطه بنا با مسجد نیست.  
رابطه خداوند با جهان، مشابه رابطه مولد برق با جریان برق است.

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می کند :

ما چو نایم و نوا در ما ز توست	ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست
ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان	تا که ما باشیم با تو در میان
ما عدم‌هاییم و هستی‌های ما	تو وجود مطلق، فانی نما
ما همه شیران ولی شیرِ عَلم <sup>۱</sup>	حمله‌مان از باد باشد دم به دم <sup>۲</sup>

اشعار مولوی با آیات انتم  
الْفُقَرَاءُ وَيَسْأَلُهُ قِرَابَتِ  
مَعْنَائِي دَارِنْد.

### تدبر در قرآن

در آیات زیر تدبر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

اشعار به انسان به عنوان  
نمونه‌ای از مخلوقات

ای مردم  
شما به خداوند نیازمند هستید  
و خدا است که [تنها] بی‌نیاز ستوده است.

■ يَا أَيُّهَا النَّاسُ  
أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ  
وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ<sup>۳</sup>

معلول  
علت

هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، پیوسته از او  
درخواست می‌کند.

■ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ  
كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ<sup>۴</sup>

معلول  
علت

اوهمواره دست اندرکار امری است.

- ۱- فکر می‌کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ **پاسخ** زیرا خدا در هر لحظه امور جهان را تدبیر می‌کند و اگر انسان‌ها را به حال خود رها کند نیست و نابود می‌شوند.
- ۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می‌شود؟ **پاسخ** پیدایش و بقا
- ۳- چرا خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است؟ **پاسخ** زیرا موجودات در هر لحظه به خدا نیازمند هستند.

### آگاهی، سرچشمه بندگی

انسان‌های ناآگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی‌توجه‌اند؛ اما انسان‌های آگاه دائماً سایه لطف و رحمت خدا را احساس می‌کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می‌دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند. افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی **(عبودیت و بندگی)**

۱- عَلم: پرجم؛ در اینجا مولوی انسان‌ها را به شیرهایی تشبیه کرده که بر روی پرجم نقاشی شده‌اند و بر اثر وزش باد تکان می‌خورند.

۲- مثنوی، مولوی، دفتر اول (با اندکی تلخیص)

۳- ۱۱۱: ۱۵۵.

**تست:** فهم کدام عبارت برای تقویت عبودیت و بندگی در پیشگاه خدا ضرورت دارد؟

**(آزمون جامع - دبیرستان علامه طباطبایی)**

۲) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ

۱) قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

۴) إِنَّ يَسَاءَ يَذْهَبِكُمْ وَيَأْتِ بَخْلَقٍ جَدِيدٍ

۳) هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

**پاسخ** گزینه (۲) - هرچه معرفت انسان به خود و رابطه‌اش با خدا بیشتر می‌شود نیاز او را بیشتر احساس و عجز و بندگی خود را بیشتر ابراز می‌کند که مؤید آیه انتم الفقراء الى الله است.

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می‌خواهد

که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند: **ترکیب با درس ۶ دوازدهم**

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا! خدا یا هیچ‌گاه مرا چشم به هم زدن به خودم و امگذار!

• **پیام آیه** حتی پیامبر (ص) نگران غفلت است. • قربت با آیه يسأله من في السماوات • مؤمن حقیقی امورش را به خدا واگذار می‌کند

### نور هستی

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه‌ای بیان می‌کند که در نظر اول برای ما شگفت‌انگیز می‌نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می‌بریم؛ قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... خداوند نور آسمان‌ها و زمین است...

• **پیام آیه** اشاره به مشهود بودن خدا در جهان دارد. • هر موجودی به اندازه خودش تجلی بخش و نشانگر حکمت، قدرت و رحمت الهی است.

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می‌دانیم که خداوند از نورهایی نیست که از اجسام ناشی می‌شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

✓ نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز

می‌شود. نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می‌شوند.

### اشتباه نکنیم

مطابق آیه الله النور السماوات والارض هر چیزی در جهان جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است نه نوری از انوار وجود

خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می‌گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می‌گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود. در واقع، هر موجودی در حد خودش تجلی‌بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است. از همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می‌نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می‌کنند و علم و قدرت او را می‌بینند.

دلی‌گز معرفت نور و صفا دید

به هر چیزی که دید، اول خدا دید<sup>۳</sup>

صرف فعل دیدن با آیه الله النور السماوات قرابت دارد

و به تعبیر بابا طاهر:

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

شان از قامت رعنا تو بینم

**تست:** آیه شریفه «الله النور السماوات والارض» وابستگی موجودات به خدا را در ..... بیان می‌کند و با حدیث شریف

..... قرابت معنایی دارد. (آزمون نشانه - مدارس برتر)

۱) پیدایش و بقا - «ما رأیت شیئاً الا ورأیت الله...» ۲) پیدایش و هستی یافتن - «ما رأیت شیئاً الا...»

۳) پیدایش و بقا - «تفکروا فی کل شیء...» ۴) پیدایش و هستی یافتن - «تفکروا فی کلی شیء...»

**پاسخ** گزینه (۱) - آیه شریفه مؤید پیدایی و آشکار شدن موجودات به واسطه نور خداوند و نیازمندی دائمی است و با حدیث علوی «ما رأیت شیئاً...» قرابت دارد. خود را بیشتر ابراز می‌کند که مؤید آیه انتم القواء الی الله است.

## تفکر در حدیث

۱- حدیث مؤید عصمت عملی حضرت علی (ع) است.

## پیام حدیث

۲- با آیه الله النور السماوات قرابت دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا

إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ

قَبْلَهُ، وَ بَعْدَهُ، وَ مَعَهُ،

هیچ چیزی را ندیدم

مگر اینکه خداوند را

قبل و بعد و با آن دیدم

مقصود امام علی علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

! پاسخ احساس کردن وجود خدا در هستی به واسطه معرفت عمیق و والا، انسان را به مرحله شهود می رساند.

اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والا است که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند. اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ترکیب با درس ۶ دوازدهم

معلول - مشروط

## نکته

عزم و تصمیم قوی، اولین گام برای ثبات قدم و پایداری در مسیر بندگی است (ترکیب با درس ۸ سال دهم)

## ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟

در پاسخ می گویم: موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند:

✓ دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانها، ستارگان و کهکشانها؛ حتی کهکشانهای بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند. <sup>معلول</sup> <sup>علت</sup>

✓ دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

محیط (خدا)

محاط  
همه  
موجودات

## نکته

خداوند بر موجودات جهان احاطه دارد یعنی محیط و احاطه گر است و موجودات جهان نیز محاط و احاطه شده توسط احاطه الهی هستند.

۱- علم الیقین، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹.

می‌توانیم بشناسیم، اما نمی‌توانیم ذات و چستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

**تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ** در همه چیز تفکر کنید

**وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ** ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.

**پیام آیه**  
• قرابت با حدیث امان تفکر دارد.  
• لازمه شناخت، احاطه و دسترسی است که در مورد خدا مقدر نیست (ذات).

### دانش تکمیلی

اگر می‌خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://quran-dept.talif.sch.ir>

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که: آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ بنگ می‌تواند به مباحث خداشناسی لطمه‌ای بزند؟

### پاسخ سوالات شما (۲)

#### چگونه می‌توان خدا را دید؟

رؤیت خداوند با چشم غیرممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می‌تواند عکس برداری کند؛ آن‌هم اشیا بی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی‌بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی‌توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی‌توان او را با این چشم مشاهده کرد.

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، مترجم و گردآورنده: ابوالقاسم پاینده، ص ۳۸۹.

درباره خدا	
آزادالتفکر	ممنوع التفکر
صفات (کریم، غفار، مهربان ...)	ذات
کیستی (چه کسی هست، چه صفاتی دارد)	چیستی (چگونه بودن)
هستی (بودن یا نبودن)	ماهوا
قدرت	ماهیت

خیلی مهم

ترکیب با آیه  
الله النور السماوات دارد.

وین عجیتر که من از وی دورم  
در کنار من و من مهجورم

دوست نزدیک تر از من به من است  
چه کنم با که توان گفت که دوست

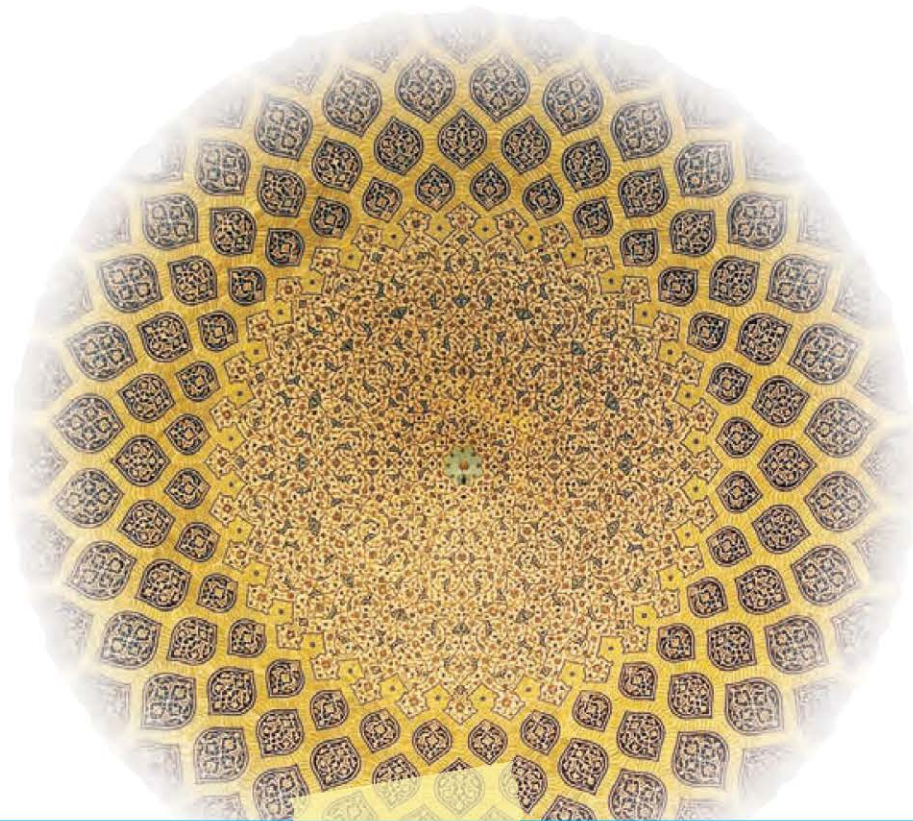
### اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت‌های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت‌ساز و ساعت، تفاوت‌های این دو رابطه را بنویسید.

تفاوت‌ها	شباهت‌ها
۱- ساعت‌ساز، هستی بخش اجزای ساعت نیست و فقط نظم‌دهنده است اما خداوند هستی بخش تک تک اعضا است	۱- جهان و ساعت هر دو پدیده‌اند و به خالق و سازنده نیازمند هستند.
۲- دوام و بقای ساعت به ساعت‌ساز نیست ولی جهان وابسته به خالق آن است.	۲- جهان و ساعت هر دو مرکب از اجزایی هستند.
۳- نظم و پیچیدگی جهان بسیار فراتر از پیچیدگی یک ساعت است و نظم ساعت با نظم جهان قابل مقایسه نیست.	۳- جهان و ساعت هر دو منظم و هدفدارند.

۱- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.



کلید واژه‌های آیه	سؤال
«يا أَيُّهَا النَّاسُ»: همهٔ مخلوقات، از جمله انسان (خطاب عام)	۱- عبارت «أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ» خطاب به چه کسانی است؟
«أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»	۲- علت اینکه خداوند می‌تواند هر لحظه با اراده‌اش موجودات را نابود کند چیست؟
«وَاللَّهُ ضَوُّ الْعَزْمِيدِ»	۳- علت اینکه کسی نمی‌تواند وجود خدا را بگیرد و نابودش کند چیست؟
«اللَّهُ نُورٌ»	۴- رابطهٔ مخلوقات با خداوند از جهت بیدایی و آشکاری به چه چیزی تشبیه شده است؟
«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»	۵- براساس کدام آیه، تمام موجودات، وجود خود را از خدا می‌گیرند؟
«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»	۶- علت اینکه خداوند بیوسسته دست‌اندر کار امری است، چیست؟
«كُلُّ يَوْمٍ فِي سَمَانٍ»	۷- نتیجهٔ درخواست بیوسسته موجودات از خداوند کدام است؟



**غسل ویژه‌ای (غسل تعمید) داده شود تا از آن گناه پاک گردد. همچنین اعتقاد داشتند که مسیح  $\text{ﷺ}$  نیز خود را به عنوان تاوان گناهان بشریت فدا کرد و به دار آویخته شد.<sup>۱</sup>**

**اعتراف به گناهان خود در حضور کشیش، آیین دیگری بود که توسط این مبلغین میان مسیحیان رواج یافت. برای این کار اتاق ویژه‌ای در کلیسا ساخته شد که محل اعتراف و توبه کردن بود. آنان معتقد بودند که با اعتراف گناهکار در برابر کشیش، توبه کننده آمرزیده می‌شود و عفو ابدی را به دست می‌آورد.<sup>۲</sup> عبادت و رازونیز با خدا نیز به روز معینی در هفته و در محل کلیسا و در حضور کشیشان اختصاص یافت.**

**نکته**  
واسطه قرار دادن کشیشان میان خدا و بندگان او که بدون اذن و اجازه خداست، شرک در ربوبیت است.  
(درس ۲ دوازدهم)

**علت** این گونه آیین‌ها سبب بستن ارتباط شخصی و پیوسته انسان با خدا و واسطه قرار گرفتن کشیشان میان خدا و بندگان او گردید. بسیاری از کشیشان در این دوره شروع به فروختن بهشت کردند و در عوض بخشش گناه، پول‌های کلان به دست آوردند.

آیین دیگر، ازدواج مسیحی بود. آنان معتقد بودند که پس از ازدواج، امکان جدایی زن و شوهر نیست و پیوندشان باید ابدی باشد.<sup>۳</sup> زن حق مالکیت ندارد و باید نام خانوادگی وی به نام خانوادگی شوهر تغییر یابد. کشیش‌ها حق ازدواج نداشتند و تا آخر عمر باید مجرد می‌مانند. آنان ازدواج را امری دنیایی و پست تلقی می‌کردند.

پذیرش عقاید رهبران کلیسا درباره هر موضوعی، حتی موضوعات علمی، ضروری بود و مخالفت با آن کفر تلقی می‌شد. به عقل و عقلانیت کمتر توجه می‌شد و این اعتقاد وجود داشت که تعقل با ایمان سازگاری ندارد و سبب تزلزل ایمان می‌شود.<sup>۴</sup> از آنجا که رهبران کلیسا نظریات دانشمندان گذشته درباره زمین، خورشید، ستارگان و مانند آن را پذیرفته بودند، مخالفت با آن نظریات را مخالفت با دین مسیح می‌پنداشتند و مانع نشر نظریات جدید می‌شدند.<sup>۵</sup> **(معاکمه گالیله)**

۱- آیین کاتولیک، جورج برانتل، ص ۱۰۷. (می‌دانیم که قرآن کریم کشته شدن حضرت مسیح  $\text{ﷺ}$  را مردود می‌شمارد و اعلام می‌فرماید که: او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه آنان به اشتباه افتادند - سوره نساء، آیه ۱۵۷. این مطلبی است که یکی از حواریون مسیح  $\text{ﷺ}$ ، یعنی «پرنایا» نیز به آن آگاهی داشت و بسیار کوشید که مانع این برداشت اشتباه شود. رجوع کنید به مقدمه کتاب انجیل پرنایا.)

۲- همان، ص ۱۳۸.

۳- همان، ص ۱۴۳.

۴- عقل و اعتقاد دینی، مایکل پترسون و سایر نویسندگان، ص ۷۰.

۵- وقتی کیرنیک (۱۵۴۳-۱۴۷۳ میلادی)، ستاره‌شناس لهستانی، تصویر جدیدی از منظومه شمسی ارائه نمود و اعلام کرد زمین به دور خورشید می‌چرخد، با مخالفت کلیسا مواجه شد، زیرا کلیسا عقیده بطلیموس را درباره زمین مرکزی پذیرفته بود و آن را مقدس می‌شمرد. حتی لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۴ میلادی)، کشیش اصلاح طلب آلمانی گفت: «مردم گوش به سخنان ستاره‌شناس تازه‌کاری داده‌اند که می‌خواهد ثابت کند زمین در گردش است، نه آسمان‌ها یا فلک و خورشید و ماه... این دیوانه قصد دارد به کلی، طرح و اساس نجوم را وارونه سازد.» (تاریخ تمدن، ویل دورانت، چاپ اقبال، ج ۲، ص ۳۹۶).

خواندن کتاب کیرنیک بارها توسط هیئت داوران وابسته به کلیسا ممنوع اعلام شد. بعدها نیز که گالیله و کپلر به تأیید همین نظر پرداختند، توسط کلیسا محکوم شدند و برای نجات جان خود از مجازات اعدام مجبور به پس گرفتن نظر خود گردیدند.

این آیین‌ها و اعتقادات و آداب و رسوم ساختهٔ کلیسا به تدریج اروپا را با فساد، عقب‌ماندگی و مشکلات دیگر دست به گریبان کرد. برخی از رهبران روشنفکر کلیسا و بسیاری از دانشمندان به دنبال چاره برآمدند و برای رسیدن به راه حل مناسب به مطالعه و تحقیق دست زدند.

## ۲- بهره‌گیری از تجربیات سایر تمدن‌ها

حدود قرن هفتم میلادی و در اواسط قرون وسطی، در همسایگی سرزمین اروپا، تمدن اسلامی متولد شد و طی دو تا سه قرن به مرحلهٔ شکوفایی رسید و بر محیط‌های پیرامون خود پرتو افکند. وقتی اندیشمندان و دلسوزان اروپایی آشنایی اندکی با تمدن مسلمانان پیدا کردند، با شور و شوق فراوان برای تحول در جامعهٔ خود از ثمرات تمدن اسلامی بهره‌برداری نمودند. کتاب‌های دانشمندان مسلمان به سرعت ترجمه شد، علاقه به پژوهش و آزمایش و تجربه افزایش یافت، نقد رهبران کلیسا شروع شد، حقوق و قانون مورد توجه واقع گردید و خردورزی در دستور کار قرار گرفت.

مونتگمری وات<sup>۱</sup>، اسلام‌شناس انگلیسی در خصوص تأثیرپذیری تمدن جدید از تمدن اسلامی می‌گوید: «علم و فلسفه در اروپا بدون کمک گرفتن از فرهنگ اسلام توسعه نمی‌یافت؛ ... اسلام نه تنها در تولیدات مادی و اختراعات اروپا شریک است، بلکه اروپا را واداشت تا تصویر جدیدی از خود داشته باشد. اما از آنجا که اروپا در حال حاضر علیه اسلام عکس‌العمل نشان می‌دهد، تأثیر مسلمانان [بر تمدن غرب] را بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. وظیفه مهم ما اروپاییان این است که این اشتباه را اصلاح کنیم و به مدیون بودن عمیق خودمان به جهان اسلام اعتراف کنیم.»<sup>۲</sup>

ویل دورانت نیز بسیاری از هنرها و فنون برجستهٔ اروپایی همچون معماری، اسلحه‌سازی و ... را مدیون صنعتگران مسلمان می‌داند.<sup>۳</sup>

دو اسلام‌شناس غربی

۱- مونتگمری وات

۲- ویل دورانت

## آثار و پیامدهای مثبت و منفی تمدن جدید

برای داوری صحیح و منصفانه در خصوص تمدن جدید ضروری است با برخی آثار این تمدن در حوزه‌های مختلف آشنا شویم:

الف) حوزهٔ علم | رشد سریع علم  
ب) آثار مثبت | توانایی بهره‌مندی بیشتر از طبیعت

۱- رشد سریع علم: تولید علم در قرون اخیر جهشی فوق‌العاده داشته است؛ به طوری که

۱- Montgomery Watt

۲- تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، مونتگمری وات، صص ۸۱ و ۱۴۳.

۳- تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۲۲.

دوران جدید را می‌توان دوران علم نامید. اختراع صنعت چاپ، کشف الکتریسیته، ساخت ماشین، اختراع وسایل ارتباطی مانند: تلفن، رادیو، تلویزیون و ماهواره، راه‌اندازی شبکه‌های اینترنت، نظریات و کشفیات جدید در علوم مختلف، زندگی در جهان امروز را متحول کرده است.

دوران جدید ← دوران علم

۲- توانایی بهره‌مندی بیشتر از طبیعت: علم و تکنولوژی سبب شد که آدمی بتواند در طبیعت تصرف فوق‌العاده کند و تغییراتی را در آن به وجود آورد. نفت را از اعماق زمین بیرون بکشد، معادن را استخراج کند، کوه‌ها را برای ساختن تونل بشکافد، با سدهای بزرگ آب‌ها را مهار نماید و قدرت و توانایی خود را به رخ طبیعت بکشد.

ولایت انسان در طول ولایت الهی (۲ دوازدهم)

### ■ آثار منفی

۱- مصرف‌زدگی: از زمانی که ماشین‌آلات صنعتی ساخته شد، تولید انبوه نیز آغاز گردید. تولید فراوان گرچه در ابتدا نیازهای طبیعی مردم را رفع می‌کرد، اما در بسیاری از موارد بیش از نیاز طبیعی بازار بود. به همین جهت کارخانه‌داران با استفاده از جاذبه تبلیغات در مردم، نیازهای کاذب به وجود آوردند تا آنان را به تنوع طلبی بکشانند و مصرف‌گرایی را به گونه‌ای سرسام‌آور افزایش دهند تا خودشان به سود بیشتری برسند. جدی‌ترین آسیب این رویه، تغییر الگوی زندگی و دل‌مشغولی دائمی مردم به کالاهای گوناگونی است که همه روزه وارد بازار می‌گردد و اذهان و افکار را به خود مشغول می‌کند و در نتیجه، انسان را از اساسی‌ترین نیاز خود، یعنی پرورش و تکامل بُعد معنوی و متعالی خویش، غافل می‌سازد.

مصرف‌زدگی با تبرج قرابت دارد.

این نتیجه دیدگاه غالب و حاکم در تمدن جدید است که انسان را صرفاً یک موجود زنده طبیعی مانند دیگر موجودات، ولی پیچیده‌تر، می‌داند که همچون سایر موجودات صرفاً نیازهای مادی و طبیعی دارد. از همین جهت است که از توجه به بُعد معنوی و فطرت الهی در این تمدن خبری نیست.

۲- نابودی طبیعت: افزایش توان علمی بشر و دستیابی وی به ابزارهای نوین، توانایی وی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی را به سرعت افزایش داد و به تخریب ساختار طبیعی محیط‌زیست انجامید. منابع معدنی که نتیجه میلیون‌ها سال فعالیت موجودات بوده، رو به پایان گذاشته، محیط دریاها و اقیانوس‌ها آلوده شده، تعادل ترکیبی گازهای جوّی بر هم خورده، بسیاری از جنگل‌ها از بین رفته و ده‌ها بحران زیست‌محیطی برای انسان به وجود آمده است.

### نکته

نابودی طبیعت با حدیث امام علی (ع): تقوا در مورد شهرها، حیوانات ... (درس ۳ دوازدهم)

۳- علم‌زدگی: از حدود قرن هجدهم میلادی به علت پیشرفت‌های گسترده در علم، این احساس پدید آمد که علم تجربی تنها رمز سعادت ملت‌هاست و جامعه‌ای که این راه را بیمایند، کلید خوشبختی را به دست آورده است. اما اکنون با گذشت چند قرن و شکست‌های پی‌درپی جوامع غربی در عرصه

**تست:** کسانی که از «رشد سریع علم» به عنوان پیامد مثبت تمدن جدید اثر می‌پذیرند، کدام مسئولیت را در کدام حوزه مورد توجه قرار می‌دهند؟ (البرز ماندگار)

۱) ترسیم چهره عقلمانی و منطقی دین اسلام - حوزه قسط ۲) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فن آوری - حوزه قسط

۳) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فن آوری - حوزه دانش ۴) ترسیم چهره عقلمانی و منطقی دین اسلام - حوزه دانش

پاسخ: گزینه (۳) - اولین مسئولیت ما مسلمانان تلاش برای پیشگام شدن در علم است که در حوزه دانش قرار دارد.

اخلاق و ظهور بحران‌های اخلاقی در این جوامع، بسیاری دریافتند که علم تجربی نمی‌تواند پاسخگوی همه نیازهای آنان باشد و نمی‌توان سعادت را تنها در این علم جست‌وجو کرد. این نیاز انسان غربی به معنویت باعث شد برخی افراد و گروه‌ها با هدف کسب مقام و شهرت، مکاتب و فرقه‌هایی را به نام مکاتب عرفانی و معنوی ایجاد کنند که اگرچه در ظاهر ادعای پاسخ به نیازهای معنوی بشر را دارند اما به دلیل آنکه برآمده از آموزه‌های وحیانی نیستند، نتیجه‌ای جز سردرگمی برای بشر تشنه امروز نداشته‌اند.

### دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از این مکاتب و فرقه‌ها که امروزه به نام «عرفان‌های نوظهور» شناخته می‌شوند، به سایت گروه درسی قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

### مسئولیت ما در این حوزه

گفتیم آشنایی با آثار مثبت و منفی تمدن جدید، می‌تواند ما را در احیای تمدن اسلامی یاری رساند. شاید در نگاهی ابتدایی، این هدف بزرگ، یعنی احیای تمدن اسلامی، در مقایسه با توان و امکانات موجود، یک بلندپروازی به نظر برسد و رسیدن به آن دور از دسترس تلقی شود؛ اما این یک دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان و قدرت جوانان و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که دستیابی به این هدف بزرگ، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم را برای ایفای نقش در جهان کنونی به ما ببخشد. با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و تا آنجا که در توان دارید برای عمل کردن به آنها بکوشید.



#### ۱- تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی

پایه‌های استقلال یک ملت را تقویت می‌کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود.

مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه تذکر می‌دهند: «باید علم را که مایه

افتدار ملی است همه جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم

بی‌بهره باشند هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از

دیگران گدایی کرد. علم درون جوش و درون‌زاست. باید استعداد‌های یک ملت به کار افتد تا یک ملت

«قاعده نفی سبیل»